

Designing a Model for Economic and Social Interventions in Regional Development

Ali Vatandoost¹, Masoud Dadashi², Mohammadreza Heydari³,
Seyedeh DelAra Mousavi⁴

1.Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: a.vatandoost@ut.ac.ir

2.Department of Industrial Engineering, Faculty of Engineering, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran. E-mail: masoud.dadashi.68@gmail.com

3.Faculty member of the Economics Department, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan, Iran. E-mail: m.heidari@ase.ui.ac.ir

4.Corresponding author, Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan, Iran. E-mail: eraunavi@ase.ui.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

Revised:

Accepted:

Published online:

Keywords:

Regional development

Economic development

Participatory governance

Social innovation.

ABSTRACT

The uneven development of regions in Iran is a serious challenge that, in addition to exacerbating social and economic inequalities, has led to the neglect of opportunities and advantages present in the country's strategic regions. This research aims to propose an innovative and participatory model for regional development, focusing on economic and social domains. Using a thematic analysis and case study method, a model based on the active participation of the local community, networking, and leveraging institutional capacities such as science and technology parks is presented. The findings suggest that by designing and implementing a six-step model, including establishing a responsible institution, conducting studies and building trust, creating collaborative networks, designing operational programs, securing resources and implementation, and finally, continuous leadership and supervision, economic and social development can be achieved in regions based on principles of justice, knowledge-based approach, and community involvement. The innovation of this study lies in designing a localized intervention model that can be adapted to the specific conditions of each region while simultaneously focusing on both economic and social aspects of development. Furthermore, by utilizing existing institutional capacities, this research provides a practical solution for accelerating development processes in regions. The results of this study can serve as a model for the development of strategic regions in the country and assist policymakers and development managers in making more informed decisions and applying more effective methods for the implementation of developmental plans and projects.

Cite this article: Vatandoost, Ali., Dadashi, Masoud., Heydari, Mohammadreza & Mousavi, Seyedeh DelAra. (2024). Designing a Model for Economic and Social Interventions in Regional Development. *Land Planning Magazine*, 58 (X), 1-20. <http://doi.org/JTCP-202412-670486> (R1)

© Ali Vatandoost , Masoud Dadashi , Mohammadreza Heydari, Seyedeh Del Ara Mousavi.

Publisher: University of Tehran Press

DOI: <http://doi.org/JTCP-202412-670486> (R1)



طراحی الگوی مداخلات اقتصادی و اجتماعی در حوزه توسعه منطقه‌ای

علی وطن‌دوست^۱، مسعود داداشی^۲، محمدرضا حیدری^۳ و سیده دل‌آرا موسوی^۴ ✉

۱. گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: a.vatandoost@ut.ac.ir

۲. گروه مهندسی صنایع، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: masoud.dadashi.68@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.heidari@ase.ui.ac.ir

۴. نویسنده مسئول، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: eraunavi@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	متن چکیده توسعه نامتوازن مناطق در ایران، چالشی جدی است که علاوه بر دامن زدن به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، باعث شده از فرصت‌ها و مزیت‌های موجود در مناطق راهبردی کشور نیز غفلت شود. این پژوهش با هدف ارائه یک الگوی نوآورانه و مشارکتی در حوزه توسعه منطقه‌ای با تمرکز بر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی انجام گرفته است. با استفاده از روش تحلیل مضمون و مطالعه موردی، الگویی مبتنی بر مشارکت فعالانه جامعه محلی، شبکه‌سازی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی مانند پارک‌های علم و فناوری، ارائه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با طراحی و اجرای یک الگوی شش مرحله‌ای، شامل تشکیل نهاد متولی، مطالعات و اعتمادسازی، ایجاد شبکه‌های همکاری، طراحی برنامه‌های عملیاتی، تأمین منابع و اجرا و در نهایت راهبری و نظارت مستمر، می‌توان توسعه اقتصادی و اجتماعی را در مناطق مبتنی بر اصولی عدالت‌محور، دانش‌بنیان و مردم‌پایه رقم زد. نوآوری این پژوهش در طراحی یک الگوی مداخله‌ای بومی‌سازی شده است که با توجه به شرایط خاص هر منطقه قابل تطبیق بوده و به طور همزمان بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی توسعه تمرکز دارد. همچنین، این پژوهش با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی موجود، راهکاری عملی برای تسریع روند توسعه در مناطق ارائه می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان یک الگو برای توسعه مناطق راهبردی کشور مورد استفاده قرار گیرد و به سیاست‌گذاران و متولیان توسعه کمک کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ نموده و از روش اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای استفاده نمایند.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها: توسعه منطقه‌ای، توسعه اقتصادی، حکمرانی مشارکتی، نوآوری اجتماعی.	
استناد: وطن‌دوست، علی؛ داداشی، مسعود؛ حیدری، محمدرضا؛ موسوی، سیده دل‌آرا (۱۴۰۳). طراحی الگوی مداخلات اقتصادی و اجتماعی در حوزه توسعه منطقه‌ای. <i>مجله آمایش سرزمین</i> ، ۵۸ (۱)، ۲۰-۱.	
	
http://doi.org/JTCP-202412-670486 (R1)	
ناشر: دانشگاه تهران.	© علی وطن‌دوست، مسعود داداشی، محمدرضا حیدری و سیده دل‌آرا موسوی.

۱- مقدمه

توسعه نامتوازن مناطق مختلف کشور و چالش‌های ناشی از آن، یکی از مسائل کلیدی در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی ایران است. به‌رغم سیاست‌های توسعه‌ای متعدد، همچنان نابرابری‌های منطقه‌ای در شاخص‌های اقتصادی، اشتغال و رفاه اجتماعی به چشم می‌خورد. برای مثال، براساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در استان‌های کمتر برخوردار مانند سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب ۱۴٫۵ درصد و ۱۳٫۲ درصد بوده است، در حالی که این نرخ در استان‌های برخوردار مانند تهران و اصفهان به ترتیب ۷٫۸ درصد و ۸٫۱ درصد گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این آمار نشان‌دهنده تفاوت‌های جدی در فرصت‌های اقتصادی و توسعه‌ای بین مناطق کشور است.

یکی از عوامل کلیدی در بروز این نابرابری‌ها، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و عدم توجه کافی به ویژگی‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای است (یوسفی، ۱۴۰۰). تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است که تمرکززدایی و ایجاد سیاست‌های بومی‌سازی شده، نقش مهمی در کاهش شکاف‌های توسعه‌ای دارد. در همین راستا، پژوهش‌هایی مانند مطالعه داداش‌پور و همکاران (۱۴۰۱) تأکید دارند که توسعه منطقه‌ای باید بر مبنای شناسایی ظرفیت‌های محلی، به‌کارگیری مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین طراحی شود.

این مطالعه با هدف ارائه الگوی نوآورانه و مشارکتی برای توسعه منطقه‌ای انجام شده است که با تمرکز بر رویکردهای دانش‌بنیان و عدالت‌محور، به بررسی چگونگی به‌کارگیری ظرفیت‌های نهادی (مانند پارک‌های علم و فناوری) برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور می‌پردازد. نوآوری این پژوهش در طراحی یک مدل مداخله‌ای است که ضمن سازگاری با شرایط خاص هر منطقه، قابلیت اجرای عملیاتی داشته و بتواند در راستای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا کند.

۲- اهداف و سوالات پژوهش

۲-۱- اهداف:

۱- طراحی الگوی نوآورانه و مشارکتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق راهبردی ایران، ۲- بررسی روش‌های استفاده از ظرفیت‌های نهادی (مانند پارک‌های علم و فناوری) برای افزایش مشارکت محلی، ۳- ارائه راهکارهای عملی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و افزایش کیفیت زندگی در مناطق کم‌برخوردار، ۴- تحلیل مراحل لازم برای ایجاد یک اکوسیستم پویا و خلاق در توسعه منطقه‌ای.

۲-۲- سوالات:

۱. چگونه می‌توان از ظرفیت‌های محلی و نهادی برای توسعه منطقه‌ای بهره برد؟
۲. چه موانع و چالش‌هایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق راهبردی کشور وجود دارد؟
۳. چه الگویی برای تحقق عدالت‌محور و دانش‌بنیان در توسعه منطقه‌ای مناسب است؟
۴. چگونه می‌توان به هم‌افزایی بین نهادهای دولتی، خصوصی و جامعه محلی در فرآیند توسعه دست یافت؟

۳- پیشینه نظری پژوهش

۳-۱- توسعه منطقه‌ای؛ الگوی مشارکت مناطق در توسعه ملی

مطالعات گسترده‌ای در حوزه توسعه منطقه‌ای صورت گرفته که نشان می‌دهد این فرآیند فراتر از رشد اقتصادی بوده

و شامل بهبود کیفیت زندگی، ایجاد فرصت‌های برابر و حفظ محیط زیست است. پژوهشگران بر اهمیت مشارکت فعالانه مردم محلی در فرآیند توسعه منطقه‌ای تأکید دارند و معتقدند که شناسایی و تقویت مزیت‌های رقابتی هر منطقه، نقش مهمی در موفقیت این فرآیند ایفا می‌کند. توسعه منطقه‌ای به عنوان یک رویکرد جامع، شامل ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است. در ادبیات توسعه، مفاهیمی مانند توسعه محلی، شهری و روستایی نیز به عنوان زیرمجموعه‌های توسعه منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند (داداش پور و احمدی، ۱۳۸۹). هر یک از این مفاهیم بر جنبه‌های خاصی از توسعه تمرکز دارند. برای مثال، توسعه محلی بر شناسایی و استفاده از پتانسیل‌های درون‌زای یک جامعه تأکید دارد، در حالی که توسعه شهری به برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری با هدف بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌پردازد. چالش‌های موجود در توسعه منطقه‌ای شامل نابرابری‌های منطقه‌ای، کمبود منابع، ضعف زیرساخت‌ها و عدم هماهنگی بین سیاست‌گذاران و ذینفعان محلی است (هاشمی، ۱۳۹۳). سازمان‌های توسعه‌ای نیز نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها با ارائه کمک‌های مالی، فنی و مشاوره‌ای به کشورهای و مناطق در حال توسعه کمک می‌کنند. با این حال، برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن، لازم است رویکردی جامع و چندجانبه اتخاذ شود که در آن تمام سطوح توسعه در نظر گرفته شود و مشارکت فعالانه همه ذینفعان، از جمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، تضمین شود. سازمان‌های مذکور را از نظر ساختار سازمانی و نحوه عمل می‌توان به ۹ گروه زیر تقسیم نمود: ۱. سازمان‌های بین‌المللی ۲. سازمان‌های دولتی ۳. سازمان‌های حامی بخش خصوصی ۴. نهادهای مالی ۵. مراکز تحقیقاتی و آموزشی ۶. سازمان‌های جامعه مدنی ۷. بنگاه‌های مشاور توسعه‌ای ۸. ارائه‌دهندگان خدمات اطلاعاتی ۹. مؤسسات خیریه و کمک‌های مالی بلاعوض (یوسفی، ۱۳۹۱).

۳-۲- نظام نوآوری منطقه‌ای: بستری برای توسعه پایدار

نظام نوآوری منطقه‌ای، شبکه‌ای پیچیده و پویا است که در آن بازیگران مختلفی همچون بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، دولت و جامعه مدنی با هم تعامل دارند تا با تولید، انتشار و بهره‌برداری از دانش و فناوری، به رشد اقتصادی و توسعه پایدار یک منطقه کمک کنند. این سیستم با ایجاد محیطی مساعد برای نوآوری، تقویت زیرساخت‌های لازم و تسهیل تعاملات، به ایجاد محصولات و خدمات جدید، افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کند. به طور کلی، نظام نوآوری منطقه‌ای به دنبال ایجاد یک محیط پویا و خلاق است که در آن ایده‌های نوآورانه به واقعیت تبدیل شده و به رشد و توسعه منطقه منجر شوند. این سیستم با شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در منطقه، تلاش می‌کند تا شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را کاهش داده و به توسعه پایدار دست یابد. کارکردهای اصلی این سیستم عبارتند از: ۱- تولید دانش جدید، ۲- انتشار و تبادل دانش، ۳- بهره‌برداری از دانش برای ایجاد محصولات و خدمات جدید، ۴- افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، ۵- ایجاد اشتغال، ۶- بهبود کیفیت زندگی (اسدی‌فر، ۱۳۹۵).

۳-۳- الگوهای حل مسائل عمومی

در تعریف و تمایزات بین مشکل عمومی، مسئله عمومی، امر عمومی و مقوله عمومی باید گفت؛ این مفاهیم مرتبط با خط‌مشی‌گذاری عمومی و مسائل اجتماعی هستند که به طور کلی بر زندگی و جامعه تأثیر می‌گذارند. مشکل عمومی، شکاف غیرقابل قبول بین شرایط نرمال و سطح مطلوب است که نیاز به مداخله حکومت را ایجاد می‌کند. این مفهوم نیاز به قضاوت‌های ارزشی و مداخله گروهی دارد. مشکل عمومی معمولاً منفعت و آثار گسترده‌ای دارد و جدال‌برانگیز است. مسئله عمومی، سؤالات بزرگ دموکراسی است که حل آن‌ها مستلزم اقدام عمومی است. این مفاهیم بر سؤالاتی مانند نحوه زندگی کردن، آموزش، عدالت اجتماعی و امنیت ملی تمرکز دارند (الوانی، ۱۳۸۶). مسئله عمومی باید دارای پشتوانه نظری و قابلیت اجرا باشد. امر عمومی، رابطه یک سازمان عمومی با ذی‌نفعانش را توصیف می‌کند. این شامل روابط حکومتی، ارتباطات رسانه‌ای، مدیریت امور، پاسخگویی اجتماعی و شرکتی، انتشار

اطلاعات و ارتباطات استراتژیک است. کارگزاران امور عمومی برای تأکید بر خط‌مشی‌ها و نگرش‌های سازمانی از ذی‌نفعان استفاده می‌کنند. مقوله عمومی هر آن چیزی است که در عرصه عمومی و خط‌مشی‌گذاری قابل بحث و رسیدگی است. این شامل اقدامات دولت، تأثیر بر شرایط اجتماعی و ارتباط با بازیگران خط‌مشی مدنظر قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷). برای قضاوت درباره اینکه یک موقعیت، به چه میزان موضوعی عمومی است، می‌توان رابطه زیر را برقرار کرد:

میزان موضوع خط‌مشی بودن = مراتب هدف خط‌مشی عمومی بودن + مراتب تأثیر بر شرایط اجتماعی + مراتب جلب توجه بازیگران خط‌مشی.

لذا این مفاهیم نشان می‌دهند که مسائل عمومی پیچیده‌هایی هستند که حل آن‌ها مستلزم مشارکت جمعی، حمایت عامه و دخالت نهادهای اجتماعی است. آن‌ها معمولاً بر منافع عمومی تأثیر می‌گذارند و حل آن‌ها مستلزم مداخله حکومت یا نهادهای اجتماعی است.

۳-۴- تصمیم‌گیری و انتخاب مسائل عمومی در مدیریت

تصمیم‌گیری جوهره مدیریت است که توسط صاحب‌نظران عرصه سازمان و مدیریت تأکید مورد تأکید قرار گرفته است. این فرآیند نقش کلیدی در موفقیت و شکست سازمان‌ها دارد. مدیران با انواع مسائل مواجهه دارند که نیاز به اتخاذ تصمیم دارد. این تصمیمات می‌تواند بر تحقق اهداف سازمان تأثیری داشته باشد. به طور کلی تصمیمات را می‌توان بر اساس ماهیت و ساختار آن‌ها نیز به سه دسته تقسیم کرد:

۱. تصمیمات ساخت یافته: این نوع تصمیمات از قبل برنامه‌ریزی شده‌اند و می‌توان قواعد یا دستورالعمل‌های مشخصی برای آن‌ها داشت.

۲. تصمیمات ساخت نیافته: این نوع تصمیمات پیچیده و غامض هستند و ساختار مشخصی ندارند.

۳. تصمیمات نیمه‌ساخت یافته: بین تصمیمات ساخت یافته و ساخت نیافته قرار دارند.

زندگی در سازمان‌ها، به ویژه در سازمان‌های آموزشی، به تدابیر و راه‌حل‌های مستمر نیاز دارد. مدیران باید وظایف متنوعی را انجام دهند تا سازمان خود را به خوبی هدایت کنند. تصمیم‌گیری یکی از چالش‌های اصلی مدیران است، زیرا آن‌ها با مسائل مختلفی روبرو می‌شوند که نیازمند اتخاذ تصمیمات درست و مؤثر است (الوانی، ۱۳۸۵).

۳-۵- الگوهای مشارکت اجتماعی در توسعه منطقه‌ای و حل مسائل عمومی

مشارکت عمومی فرایندی دو طرفه بین دولت و شهروندان است که در آن، نظرات و نیازهای مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت لحاظ می‌شود. این فرایند نه تنها به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کند، بلکه به افزایش آگاهی عمومی، توانمندسازی شهروندان و تقویت دموکراسی نیز منجر می‌شود. همچنین، مشارکت عمومی می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای حل مسائل اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر مورد استفاده قرار گیرد و بنابراین مشارکت عمومی یک عنصر اساسی برای "دستیابی شهروندان به قدرت" است (نبوی، ۱۳۹۵).

۳-۵-۱- ارتباط بین مشارکت عمومی و حکومت‌های محلی

دو چارچوب اصلی مک‌کنا و وایت، ابعاد گوناگونی از این رابطه را مورد کاوش قرار می‌دهند. چارچوب مک‌کنا چهار گمانه اصلی را ارائه می‌دهد: انتقالی، ناسازگاری، ابزاری و مقاومت. این گمانه‌ها نشان می‌دهند که مشارکت عمومی می‌تواند به عنوان یک فرایند تکاملی، یک تناقض با دموکراسی نماینده، یک ابزار برای کنترل اجتماعی یا یک نیروی مقاومت در برابر تغییرات نهادی تلقی شود. چارچوب وایت نیز بر انواع مختلف مشارکت تأکید دارد. وی مشارکت را

¹ Mckenna, 2001

² White, 1996

به چهار دسته تقسیم می‌کند: نمایش، ابزاری، نمایندگی و تحولی. هر یک از این دسته‌ها، سطوح مختلف مشارکت، از مشارکت صوری تا مشارکت عمیق و تحول‌گرا را نشان می‌دهند. لذا باید گفت رابطه میان مشارکت عمومی و حکومت‌های محلی پیچیده و چندوجهی است. عوامل مختلفی مانند ساختارهای نهادی، نگرش‌های سیاسی و اهداف مشارکت می‌توانند بر شکل و ماهیت این رابطه تأثیر بگذارند (صدر، ۱۳۹۳).

۳-۵-۲- مشارکت عامه

مشارکت عمومی، فرآیندی است که در آن شهروندان به طور فعال در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور عمومی جامعه خود شرکت می‌کنند. این مشارکت می‌تواند در سطوح مختلفی از اطلاع‌رسانی ساده تا کنترل مستقیم فرآیندهای تصمیم‌گیری اتفاق بیفتد. مزایای مشارکت عمومی بسیار است و شامل افزایش مشروعیت تصمیم‌گیری‌ها، ارتقای مهارت‌های مدنی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (سلیمانی خوئینی، ۱۳۹۸). با این حال، چالش‌هایی مانند پیچیدگی فرآیندهای تصمیم‌گیری، هزینه‌های مشارکت و عدم تمایل برخی افراد به مشارکت، نیز وجود دارند. برای موفقیت‌آمیز بودن مشارکت عمومی، نیاز به طراحی سازوکارهای مناسب و ایجاد بستری مناسب برای مشارکت فعال شهروندان است. به عبارت دیگر، مشارکت عمومی یک ابزار قدرتمند برای تقویت دموکراسی و بهبود زندگی شهروندان است (Tshoose, 2015).

۳-۵-۳- الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران

پیشینه تجربی و الگوهای مشارکت اجتماعی در ایران به مفهوم و تعامل مشارکت، به ویژه در زمینه اقتصادی و توانمندسازی اجتماعی و تجربیات سازمان‌های توسعه‌ای و محرومیت‌زدایی حاکی از آن است که کشور ایران، مشارکت به عنوان یک فرآیند داوطلبانه و آگاهانه، به کاهش آلام اجتماعی و کمک به هم‌نوعان متمرکز است و می‌تواند شامل کمک‌های مادی و غیرمادی باشد. مدل‌های مشارکت‌کنندگان در ایران به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: شهروندان فعال، که به تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها مشارکت دارند، و شهروندان غیرفعال، که با وجود منابع لازم، از مشارکت خودداری می‌کنند. انواع مشارکت شامل مشارکت فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، پژوهشی و آموزشی، و همچنین مشارکت‌های چندوجهی است. این الگوها نشان‌دهنده اهمیت همکاری در زمینه‌های مختلف برای توسعه پایدار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بوده و بر نقش مؤثر هنر و فرهنگ در ترویج فرهنگ مشارکت تأکید دارد.

۳-۵-۴- بازاریابی اجتماعی

بازاریابی اجتماعی، روشی مؤثر برای جلب مشارکت‌های مردمی در امور خیریه و اجتماعی است. این روش با بهره‌گیری از اصول و ابزارهای بازاریابی، تلاش می‌کند تا آگاهی عمومی نسبت به مسائل اجتماعی را افزایش داده و افراد را به مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه ترغیب کند و به جای تمرکز بر فروش محصولات یا خدمات، هدف اصلی تغییر رفتار افراد و تشویق آن‌ها به انجام اقدامات خیرخواهانه است (مبینی و همکاران، ۱۳۹۴).

۳-۵-۵- موانع و زمینه‌های مشارکت مردم در اشتغال‌زایی

این موانع به سه دسته کلی عملی، فرهنگی و ساختاری تقسیم شده‌اند. موانع عملی؛ شامل مواردی مانند کمبود نیروی متخصص، برنامه‌ریزی متمرکز، عدم هماهنگی بین نهادها و نبود آموزش‌های لازم است. موانع فرهنگی نیز شامل مواردی مانند ترس از فقر، تفاوت‌های فرهنگی، عدم روحیه کار گروهی و عدم اعتماد به نهادهای حمایتی بوده و موانع ساختاری نیز شامل عدم وجود ساختار قانونی مناسب، پراکندگی امکانات و دخالت‌های سیاسی می‌باشد. مورد حائز اهمیت دیگر، "زمینه سازی" برای مشارکت مردم است (محمدپور، ۱۳۹۷).

۴- پیشینه تجربی پژوهش

پورعزت و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی، و با استفاده از رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) و روش تحلیل مضمون (تم)، به بررسی مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته طی دو مرحله (در مرحله اول، صاحب‌نظران حوزه پژوهش و در مرحله دوم، اساتید مجرب دانشگاه‌های برتر این حوزه) به بحث و بررسی پرداختند. پژوهش توانست شاخص‌های تعیین اولویت مسائل عمومی را استخراج کند؛ این شاخص‌ها عبارت‌اند از: فوریت مسئله، شدت مسئله، گستره مسئله، تسهیل و اثرگذاری بر سایر مسائل، اثرگذاری بر رعایت ارزش‌های اجتماعی. همچنین اسدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان مدل تجزیه و تحلیل خط‌مشی عمومی در ایران، و با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد چندگانه، به بحث و مطالعه پرداختند. در این تحقیق مدل استخراج شده شامل سه متغیر تجزیه و تحلیل تدوین، اجرا و ارزیابی است. ذیل متغیر تحلیل تدوین، بعد ساخت‌دهی به مسئله وجود دارد و ذیل آن، مفاهیم مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی وجود دارد که برخی سنجه‌های آن شامل تبیین مسئله و بررسی ماهیت مسئله می‌باشد. الیا و مارگریتا^۳ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان آیا می‌توانیم مسائل پیچیده را حل کنیم؟ طراحی یک چارچوب مفهومی و یک سیستم هوش جمعی برای پشتیبانی از تحلیل مسئله و طراحی راه‌حل برای مسائل پیچیده اجتماعی، به ارائه چارچوبی تحلیلی و مدلی در قالب یک ماتریس جهت تولید راه‌حل مسئله و تحلیل مؤلفه‌های کلیدی در آن پرداختند. همچنین قاضی‌نوری و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان چرا به سیستم نوآوری "مسئله‌محور" برای حل مسائل کلان اجتماعی نیاز داریم؟، به روش مطالعه موردی، ۵ مورد از مسائل کلان اجتماعی در کشورهای ژاپن، مکزیک و آمریکا را مورد بررسی قرار دادند. مطالعه مذکور به ارائه یک چارچوب تحلیلی برای سیستم نوآوری مسئله‌محور (PIS) و توصیه‌هایی برای خط‌مشی‌گذاری برای حل مسائل اجتماعی موجود می‌پردازد. البته چارچوب PIS زمانی به درستی کار می‌کند که "مسئله اجتماعی" از قبل به خوبی شناسایی و تعریف شود (به عنوان ورودی سیستم). ماهیت مسئله و اولویت‌بندی مسائل از جمله خلأهای موجود در این پژوهش است. کابرا و همکاران^۵ (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان بحران چیست؟ تعریف و اولویت‌بندی مهم‌ترین مسائل جهان، با استفاده از روش پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی)، و با ابزار پرسشنامه از تمامی اعضای هیئت علمی، دانشجویان پسادکتری، کارشناسان پژوهشی؛ به بحث و بررسی پرداخته و در این پژوهش، ۱۱۶ مسئله مبرم در جهان در قالب ۷ خوشه موضوعی استخراج گردید. سپس بر اساس دو شاخص اهمیت مسائل و امکان‌پذیری حل مسائل اولویت‌بندی گردیدند.

۵- محدوده و قلمروی مورد مطالعه

منابع اصلی تحقیق شامل مطالعات میدانی و مداخلات موردی شرکت دانش‌بنیان رویش نوین تصویر ایرانیان در مناطق مختلف کشور از جمله موردکاوی در شهرستان قلعه‌گنج استان کرمان و اقدام‌پژوهی در شهرستان فلاورجان استان اصفهان می‌باشد. همچنین از اسناد توسعه روستایی جمع‌آوری شده توسط قرارگاه پیشرفت و آبادانی، سند بانک مسائل روستاهای ایران جمع‌آوری شده توسط اندیشکده شرح و کارگروه توسعه محلی پژوهشکده شهید اعتباری دانشگاه صنعتی اصفهان نیز استفاده شده است.

۶- روش و ابزار تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به تحلیل الگوهای توسعه منطقه‌ای می‌پردازد و از مدل ساندرز و همکاران^۶ بهره می‌برد.

³ Elia & Margherita

⁴ Ghazinoory et al

⁵ Cabrera et al.

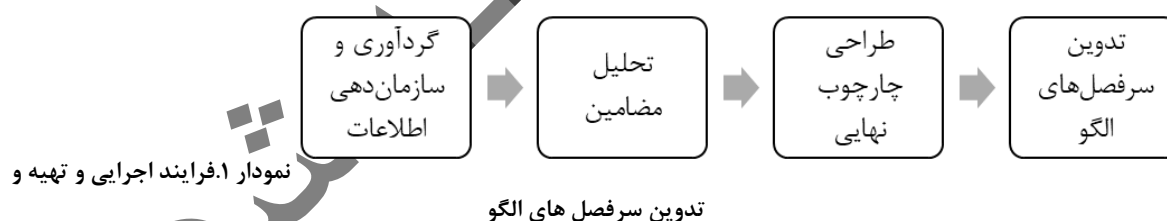
⁶ Saunders et al, 2015

روش اصلی تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون در چارچوب اقدام‌پژوهی است که از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه توسعه منطقه‌ای و همچنین بررسی اسناد مربوط به توسعه روستایی و پروژه‌های توسعه‌ای در جامعه نمونه انجام می‌شود. برای افزایش اعتبار و روایی نتایج، از مثلث‌سازی داده‌ها و استفاده از منابع چندگانه بهره گرفته شده است. همچنین با توجه به تأثیر ذهنیت‌ها و ارزش‌های محقق در تفسیر داده‌ها، پارادایم تفسیری در این پژوهش مدنظر قرار گرفته و هدف آن طراحی الگویی برای مداخلات اقتصادی و اجتماعی در حوزه توسعه منطقه‌ای است. با توجه به ماهیت جامعه آماری که شامل کارگزاران دولتی و خبرگان حوزه مورد مطالعه بود، از رویکرد ترکیبی نمونه‌گیری استفاده شد. در این رویکرد، از نمونه‌گیری در دسترس برای دسترسی به کارگزاران دولتی و از نمونه‌گیری گلوله‌ای برای شناسایی و دسترسی به خبرگان استفاده شد.

۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات: فرآیند اجرایی با جمع‌آوری اطلاعات از طریق دو روش اصلی آغاز شد: الف-۱) مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته: طی این مرحله، محقق با طراحی و اجرای فرم‌های مصاحبه، اطلاعاتی دقیق و کیفی را از مشارکت‌کنندگان در مناطق هدف به دست آورد. پرسش‌های محوری شامل شناسایی مسائل عمومی، اولویت‌بندی مشکلات، تحلیل علل و موانع پیش‌روی مدیران و نخبگان بود. الف-۲) مطالعه اسنادی: از منابع علمی، اسناد توسعه دهستان‌ها و گزارش‌های نهادهایی نظیر «اندیشکده شرح» و «قرارگاه پیشرفت و آبادانی» استفاده شد. این منابع شامل اطلاعات پایه‌ای درباره مسائل مناطق محلی بود.

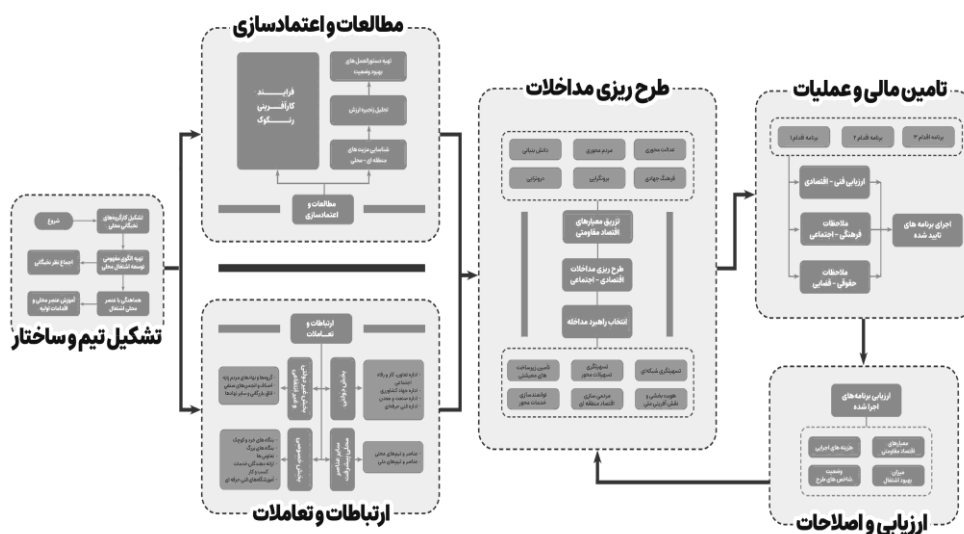
ب) تحلیل مضامین: با استفاده از روش تحلیل مضمون، داده‌ها به مضامین پایه، کدگذاری و به صورت دسته‌بندی مضامین پایه به مضامین سازمان‌دهنده و سپس تبدیل مضامین سازمان‌دهنده به مضامین فراگیر، سازمان‌دهی شدند. ج) طراحی چارچوب نهایی: در این مرحله، با بهره‌گیری از مضامین فراگیر، چارچوبی جامع برای الگوی توسعه تدوین شد. مضامین سازمان‌دهنده که شامل بخش‌های فرهنگی-اجتماعی، تعلیم و تربیت، سلامت، اقتصاد و معیشت، نظام اخلاقی، و دیگر حوزه‌ها بود، اساس طراحی این چارچوب را تشکیل دادند. د) تدوین سرفصل‌های الگو: سرفصل‌های اصلی الگو بر اساس تحلیل نهایی به شرح زیر تنظیم شد:



همانطور که در جدول فوق ذکر گردید، از روش تحلیل تم یا تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی جامع و انعطاف‌پذیر برای بررسی داده‌های کیفی است که به محققان امکان می‌دهد تا الگوها، مفاهیم و معانی نهفته در داده‌های متنی را شناسایی و تفسیر کنند. اهداف اصلی تحلیل مضمون درک عمیق از داده‌ها، شناسایی الگوها و مفاهیم و تفسیر داده‌ها است (Braun & Clarke, 2006). مراحل کلی تحلیل مضمون عبارت است از: ۱- آشنایی با داده‌ها: مطالعه دقیق و چندباره داده‌ها برای ایجاد یک درک کلی؛ ۲- کدگذاری داده‌ها: تقسیم داده‌ها به بخش‌های کوچک‌تر و برچسب‌گذاری آن‌ها با کدهای مرتبط؛ ۳- شناسایی مضامین: گروه‌بندی کدهای مشابه برای ایجاد مضامین یا تم‌های بزرگ‌تر؛ ۴- تفسیر مضامین: بررسی روابط بین مضامین و تفسیر معنای آن‌ها در چارچوب تحقیق؛ ۵- گزارش نویسی: ارائه نتایج تحلیل به صورت روشن و منسجم. همچنین در این پژوهش از چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری و تاییدپذیری برای ارزیابی و ارتقاء کیفیت پژوهش کیفی استفاده شده است.

۷- یافته‌های پژوهش

با توجه به شرایط اقتصادی کنونی ایران، کاهش تولید، نبود عدالت منطقه‌ای و الگوی جامع کارآفرینی، طراحی الگوی مشارکتی برای توسعه اقتصادی مناطق راهبردی ضروری است. این الگو با شناسایی مزیت‌های محلی، افزایش تولید و تجارت، و ایجاد ارتباط میان بنگاه‌های محلی و شرکت‌های بزرگ، اصولی مانند عدالت‌محوری، مردم‌محوری و دانش‌بنیانی را تحقق می‌بخشد. دستیابی به چنین الگویی نیازمند تحلیل ظرفیت‌ها و مزیت‌های منطقه‌ای است که به‌عنوان راهنما و محرک فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کنند. مراحل اصلی شامل مشارکت نهادهای منطقه‌ای، تعاملات سازنده، تدوین راهبرد، اجرای مداوم و ارزیابی مستمر است. برای توسعه اقتصاد منطقه‌ای با رویکرد مشارکتی، باید شش مرحله اساسی اجرا شود؛



نمودار ۲. الگوی دستیابی

به توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ای با رویکرد مشارکتی

۱. تشکیل تیم و هماهنگی:

در این مرحله، هدف اصلی تشکیل نهاد متولی توسعه در شهرستان است که فعالیت‌های اقتصادی را رهبری کند. این نهاد به نمایندگی از نظام حکمرانی و در کنار آن و به نوعی به عنوان یک نماینده ویژه، کارگزار یا مشاور در منطقه ورود کرده، اهداف کل سیستم را مشخص کرده و روش و الگوی رسیدن به اهداف نهایی را در حوزه توسعه منطقه‌ای را تعریف می‌کند. سپس منابع مالی و زمان مورد نیاز را برآورد کرده و تفاهم اولیه‌ای بین کل سیستم نظام حکمرانی و اجزا و افراد و نهادهای مختلف آن ایجاد می‌کند. در ادامه، اجماع نخبگان برای پیشبرد مراحل اجرایی طرح و انتخاب حداقل یک عنصر بومی مستعد جهت تسهیل‌گری اقتصادی-اجتماعی ضروری است.

۲. مطالعات و اعتمادسازی: تیم توسعه منطقه باید ظرفیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای را شناسایی کند و با تحلیل مزیت‌های آشکار و آشکار نشده منطقه، وضعیت مطلوب تولید و اشتغال را مشخص کند. همچنین شناسایی زنجیره ارزش کسب‌وکارهای منطقه‌ای از دیگر وظایف این مرحله است؛

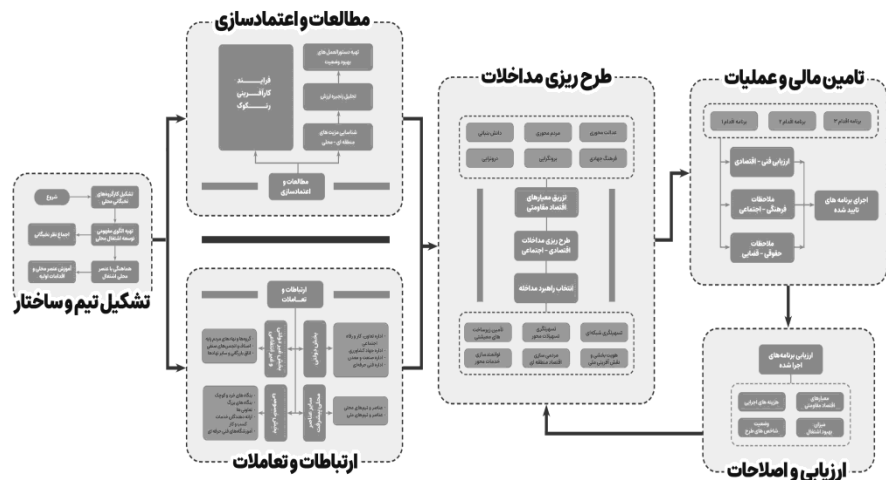
- فرآیند کارآفرینی رنکوک: هدف این فرآیند شناسایی افراد مستعد، شناسایی مسائل و ظرفیت‌ها و طراحی کنش‌های جمعی است.
- شناسایی مزیت‌های منطقه‌ای: این مزیت‌ها شامل مزیت‌های آشکار و پنهان هستند که با تحلیل ظرفیت‌های موجود، به شناسایی رسته‌های مولد و اشتغال‌زا می‌پردازد.
- مطالعات زنجیره ارزش: شناسایی نقاط ضعف و قدرت در زنجیره تولید منطقه‌ای و روش‌های تقویت آن، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند تحقیق و توسعه و فناوری.

۳. ارتباطات و تعاملات: تیم توسعه منطقه باید شبکه‌ای از ارتباطات بین بخش‌های مختلف ایجاد کند تا هم‌افزایی لازم برای توسعه اقتصادی به وجود آید. این ارتباطات باید با بخش‌های دولتی، خصوصی و غیردولتی برقرار گردد تا از

ظرفیت‌های قانونی و منابع مختلف استفاده بهینه شود.

- ارتباط با بخش دولتی: ارتباط مداوم با نهادهایی مانند اداره تعاون، جهاد کشاورزی و سازمان صنعت و معدن جهت استفاده از منابع و تسهیلات.
- ارتباط با بخش خصوصی: همکاری با کارآفرینان، واحدهای تولیدی و کارخانجات محلی برای استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای.
- ارتباط با نهادهای مشاوره کسب‌وکار: همکاری با مشاوران توسعه کسب‌وکار برای ارتقای زنجیره ارزش و پشتیبانی از بنگاه‌های کوچک و متوسط.
- ارتباط با سازمان‌های غیردولتی: مشارکت با NPO^۷ ها و NGO^۸ ها برای تقویت اقتصاد منطقه.

۴. طرح‌ریزی مداخلات اقتصادی-اجتماعی: این مرحله شامل طراحی طرح‌های توسعه‌ای با توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای شناسایی شده در مراحل قبل است.



شکل ۱. راهبردهای شش‌گانه

مداخلات اقتصادی-اجتماعی در حوزه پیشرفت منطقه‌ای

جدول ۱. سطوح مداخلات اقتصادی-اجتماعی

سطح ۱	تأمین زیرساخت‌های معیشتی
تعریف اولیه	پایین‌ترین سطح مداخلات، تأمین زیرساخت‌های اساسی و معیشتی جوامع محلی است. به عنوان مثال احداث جاده، گازرسانی، کانال‌کشی، احداث حمام دام و مواردی از این نوع، جزو مداخلات سطح اول می‌باشد.
ابزار	به‌کارگیری تجهیزات سخت افزاری و نیروی کار
شاخص	تعداد پروژه‌های زیرساختی جهت حل مسائل مردم
نقش مردم	تأمین زیرساخت‌های اساسی و معیشتی به دلیل آنکه هزینه و تخصص بالایی نیازمند است، معمولاً حداقل مشارکت جامعه هدف رخ می‌دهد و نهایتاً مشارکت اهالی برای تأمین نیروی کار برای اجرای پروژه در نظر گرفته می‌شود.
سطح ۲	تسهیل‌گری تسهیلات‌محور
تعریف اولیه	در این سطح از مداخلات اقتصادی-اجتماعی، فرض بر این است که دسترسی به منابع مالی یکی از مهمترین مشکلات کسب و کارهای خرد می‌باشد. عنصر پیشرفت با راه اندازی صندوق‌های خرد تأمین مالی در صدد برطرف کردن این مسئله است. همچنین اعطای وام‌های خرد نهادهای (بدون راه‌اندازی

^۷ سازمان‌های غیر انتفاعی

^۸ سازمان‌های مردم‌نهاد

ابزار	صندوق) نیز جزو این سطح از مداخلات است.
شاخص	تقویت فرهنگ پس انداز و اعطای وام ✓ تعداد صندوق تشکیل شده ✓ تعداد و میزان وام های اعطا شده ✓ نسبت اقساط معوقه به پرداختی
نقش مردم	مشارکت مالی مردم محلی جهت بهبود کسب و کارهای خودشان
سطح ۳	تسهیلگری شبکه ای
تعریف اولیه	در این نوع مداخله، عنصر پیشرفت، با مشارکت نهادهای متولی و ذی نفعان زنجیره ارزش رسته های شغلی در منطقه، جهت افزایش بهره وری زنجیره ارزش یک برنامه تهیه می کند. در این برنامه نقش هر کدام از ظرفیت های محلی (نهادهای کارآفرینان، تولیدکنندگان و ...) و چگونگی روابط بین ایشان جهت ارتقای زنجیره طراحی می گردد.
ابزار	✓ مطالعات زنجیره ارزش رسته های مزیت دار منطقه ✓ طراحی نقش و چگونگی ارتباطات بین ظرفیت ها و مزیت های منطقه
شاخص	✓ تعداد شبکه های ایجاد شده ✓ تعداد ایجاد اشتغال ✓ افزایش میزان درآمد ✓ تعداد نهاد پشتیبان فعال شده
نقش مردم	در این سطح برای ذی نفعان زنجیره ارزش، نقش های جدید و ارتباطات جدید ایجاد می شود و نقش مردم در سیستم اقتصادی فعال تر می شود.
سطح ۴	توانمندسازی خدمات محور
تعریف اولیه	عامل پیشرفت در این سطح دارای منابع بیشتری جهت توانمندسازی ذی نفعان زنجیره است و می تواند علاوه بر شبکه سازی، از منابع مالی جهت تولید و تزریق دانش و خدمات کسب و کار در منطقه ای هدف استفاده کند.
ابزار	✓ مطالعات زنجیره ارزش رسته های مزیت دار منطقه و طراحی نقش و چگونگی ارتباطات بین ظرفیت ها و مزیت های منطقه ✓ همکاری با متخصصان و مشاوران مرتبط با رسته ای مزیت دار در حلقه های زنجیره ✓ پیاده سازی مکانیزم های کاهش ریسک و جریان گردش اطلاعات در زنجیره ارزش ✓ تامین مالی جهت ارتقای زنجیره
شاخص	✓ تعداد دوره های برگزار شده در هر حلقه از زنجیره ✓ تعداد نهاد مشاور فعال شده ✓ میزان رشد تولید و تجارت ✓ تعداد شبکه ایجاد شده ✓ تعداد ایجاد اشتغال ✓ افزایش میزان درآمد ✓ تعداد نهاد پشتیبان فعال شده
نقش مردم	در این سطح، جوامع محلی علاوه بر اینکه نقش جدید و روابط جدیدی پیدا می کنند، جهت بهبود سیستم اقتصادی منطقه نیز توانمند شده و از دانش و انواع خدمات بهره مند می گردند؛ این امر باعث افزایش عاملیت مردم در بلندمدت می گردد.
سطح ۵	توانمندسازی به مثابه مردمی سازی (مردمی سازی اقتصاد منطقه ای)
تعریف اولیه	در بالاترین سطح مداخلات، نقش ابعاد اجتماعی پررنگ تر شده و یک تغییر رویکرد رخ می دهد. تقویت هویت محلی، تغییرات سیستمی، خودتکایی و در

نهایت رفع استضعاف اقتصادی هدف اصلی این سطح از مداخلات است. در این سطح، عامل پیشرفت صرفاً به دنبال رونق و ایجاد سرریز اقتصادی نیست و هدف نهایی، عدالت اجتماعی بر مبنای توانمندسازی عامه مردم است؛ بدین معنا که توانمندسازی با این رویکرد دنبال می‌شود که عامه مردم توان مدیریت اجزای سیستم اقتصادی منطقه را پیدا کنند (توازن فرصت‌ها) و منافع ایجاد به طور متوازن توزیع گردد (توازن منافع).	
✓ انگیزه‌بخشی و تقویت خودباوری ✓ نوآوری اجتماعی جهت تغییرات جزئی و بازخوردگیری ✓ نقش‌سپاری به عامه مردم در جای‌جای سیستم اقتصادی ✓ آگاهی‌بخشی و آموزش‌های تخصصی ✓ واگذاری زیرساخت‌های ایجاد شده در منطقه به مردم در طول زمان	ابزار
✓ به طور مشخص، حلقه های زنجیره ارزش (شامل تأمین، تولید، فرآوری، بازاریابی، فروش) در اختیار مردم همان منطقه باشد (هم مالکیت و هم مدیریت) ✓ عدم تمرکز در حلقه‌های زنجیره ارزش (توازن فرصت‌ها و توازن منافع) ✓ میزان رشد تولید و تجارت ✓ نقش خانواده‌ها در زنجیره ارزش ✓ تعداد دوره های برگزار شده در هر حلقه از زنجیره ✓ تعداد نهاد مشاور فعال شده ✓ تعداد شبکه ایجاد شده ✓ تعداد ایجاد اشتغال ✓ افزایش میزان درآمد ✓ تعداد نهاد پشتیبان فعال شده	شاخص
در این سطح، هدف نهایی و ابزار اصلی، عاملیت مردم (مردمی‌سازی) است.	نقش مردم

۵. تأمین مالی و عملیات: تأمین منابع مالی برای اجرای طرح‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی یکی از چالش‌های اصلی است. در این مرحله، منابع مالی از طریق بخش‌های دولتی، خصوصی و نهادهای غیردولتی تأمین می‌شود و اقدامات اجرایی برای عملیاتی کردن طرح‌ها آغاز می‌شود.

۶. ارزیابی و اصلاحات: پس از اجرای طرح‌ها، ارزیابی مستمر انجام می‌شود تا عملکرد طرح‌ها سنجیده شود. هدف اصلی این طرح، ایجاد و توسعه اقتصادی است و ارزیابی آن بر اساس همین هدف صورت می‌گیرد. در ابتدا باید بررسی شود که آیا طرح به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت به تولید منطقه کمک کرده و یا میزان اشتغال مدنظر را ایجاد کرده است یا خیر. علاوه بر این، ارزیابی طرح بر اساس سطوح مختلف مداخلات اقتصادی-اجتماعی انجام می‌شود که در جداول مربوطه فوق به آن اشاره شده است. هر سطح از مداخلات شاخص‌های خاص خود را دارد و باید نتایج اقدامات با این شاخص‌ها مقایسه شوند. یکی از اهداف مهم دیگر این طرح، تحقق معیارهای اقتصاد مقاومتی است. بنابراین، هماهنگی برنامه‌های اجرایی با این معیارها یک شاخص کلیدی برای ارزیابی موفقیت طرح‌ها به شمار می‌رود. در نهایت، باید بررسی شود که وضعیت مطلوبی که پیش‌بینی شده بود پس از اجرای برنامه‌ها به دست آمده یا خیر و چه تفاوت‌هایی با وضعیت واقعی پس از اجرای طرح وجود دارد. از سوی دیگر، در ارزیابی اقتصادی و فنی، باید هزینه‌های اجرایی طرح شناسایی و برآورد شود. باید بررسی کرد که آیا این هزینه‌ها مطابق با تخمین‌ها بوده است یا خیر. اگر هزینه‌ها بیش از مقدار پیش‌بینی شده باشد، باید دید که آیا این افزایش هزینه‌ها توجیه اقتصادی اجرای طرح را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر. همچنین باید بررسی کرد که آیا این تغییر هزینه‌ها اولویت و رتبه برنامه را در مقایسه با سایر برنامه‌ها تغییر می‌دهد؟ پاسخ به این سوالات می‌تواند به ارزیابی‌های آینده کمک شایانی کند.

۹- نتیجه گیری

مطالعه حاضر به تحلیل و طراحی الگوهای نوآورانه و مشارکتی برای تحقق توسعه منطقه‌ای در ایران پرداخته و بر اهمیت استفاده از حکمرانی مشارکتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فناوری‌های نوین در فرآیند توسعه اقتصادی تأکید دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که الگوهای سنتی توسعه که مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز و سلسله‌مراتبی هستند، قادر به پاسخگویی به نیازهای پیچیده و متنوع مناطق مختلف کشور نیستند. در این راستا، طراحی الگوهای جدید که بر مشارکت اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های داخلی و مزیت‌های نسبی هر منطقه تأکید دارند، ضروری است. از طریق مطالعات و تجربیات منطقه‌ای، به ویژه در شهرستان‌های قلعه گنج، فلاورجان و منطقه شرق اصفهان، این پژوهش به شناسایی ظرفیت‌ها و مشکلات موجود پرداخته و نشان داده که استفاده از روش‌های نوآورانه می‌تواند به عنوان محرک توسعه اقتصادی و اشتغال منطقه عمل کند. در این فرآیند، حکمرانی مشارکتی و همکاری فعالانه مردم، نهادهای دولتی، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کند. این همگرایی و مشارکت جمعی می‌تواند به ایجاد اکوسیستم‌های نوآورانه و پویا در سطح منطقه‌ای منجر شود که موجب تقویت شبکه‌های ارتباطی و تسهیل‌گری فعالیت‌های کارآفرینانه خواهد شد. مکانیزم‌های اجرایی برای توسعه منطقه‌ای نیز باید با توجه به ویژگی‌ها و مزیت‌های هر منطقه طراحی شوند. در این چارچوب، شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی، تحلیل موانع و ظرفیت‌ها و تدوین راهبردهای عملیاتی، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای مدیریت و تحقق توسعه پایدار و متوازن در ایران به کار رود. در همین راستا، استفاده از اصول عدالت اجتماعی، مردم‌محوری و نوآوری اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها و اقدام‌پژوهی‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهایت، نتایج این مطالعه تأکید دارد که تنها از طریق رویکردهای مشارکتی و انعطاف‌پذیر، که توجه ویژه‌ای به ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه دارند، می‌توان به توسعه اقتصادی پایدار و تحقق توسعه منطقه‌ای موفق در ایران دست یافت. این الگوها می‌توانند در سایر مناطق کشور نیز مورد استفاده قرار گرفته و منجر به جهش تولید، اشتغال، تقویت عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی متوازن در سطح ملی و به طور خاص در مناطق راهبردی کشور از جمله سواحل مکران شوند.

۱۰- پیشنهادات

تحلیل تطبیقی الگوهای توسعه منطقه‌ای در ایران و سایر کشورها می‌تواند به مقایسه مدل‌های موفق توسعه منطقه‌ای در کشورهای مشابه ایران از نظر ساختار اقتصادی و اجتماعی بپردازد تا از تجربیات جهانی بهره گرفته شود. همچنین تحقیقات آینده می‌توانند به مطالعه نقش فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی در موفقیت یا شکست الگوهای مشارکتی در مناطق مختلف ایران بپردازند و پیشنهاد می‌شود مطالعات کمی برای ارزیابی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی الگوی شش مرحله‌ای این پژوهش انجام شود تا به بهبود و تکامل آن کمک شود. تحلیل طولی اثرات اجرای الگوها نیز می‌تواند اثرات بلندمدت اجرای مدل‌های مشارکتی بر رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و بهبود کیفیت زندگی را بررسی کنند.

منابع

۱. آمار، س.م. (۱۴۰۰). نتایج سرشماری استان، شهرستان، بخش، شهر، دهستان و آبادی براساس آخرین تقسیمات.
۲. گزارش کمیته ساماندهی شرق اصفهان. (۱۴۰۰).
۳. الوانی، س. (۱۳۷۱). مدیریت مسائل عمومی. مطالعات مدیریت، ۲۱-۳۵.
۴. الوانی، س. (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.
۵. الوانی، س.، شریف‌زاده، ف. (۱۳۸۵). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
۶. بررسی ساختار اقتصادی استان‌های کشور و سهم و نقش آن‌ها در تولید ناخالص داخلی بر اساس آمار حساب‌های استان. (۱۳۹۰-۱۴۰۰).
۷. برنامه توسعه اقتصادی و اشتغالزایی استان اصفهان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، (۱۴۰۰-۱۳۹۶).
۸. بانک جهانی. (۱۳۹۵). توانمندسازی و کاهش فقر. انتشارات کریم خان زند.
۹. پورعزت، ع.، هاشمی کاسوایی، م. (۱۳۹۶). مسئله عمومی چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. پورعزت، ع. (۱۳۸۷). مبانی دانش اداره دولت و حکومت. تهران: سمت.
۱۱. پورعزت، ع. (۱۳۹۰). مبانی مدیریت دولتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۲. پورعزت، ع.، سوداگر، ه.، سعدآبادی، ع.، هاشمی کاسوایی، م. (۱۳۹۸). شاخص‌های اولویت‌بندی عادلانه مسائل عمومی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۹-۱۶۹.
۱۳. راهنمای فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان شهرستان اصفهان. (۱۴۰۱).
۱۴. نبوی، س. (۱۳۹۵). مبانی و راهبردهای جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته اسلامی. الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
1. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 385-405.
2. Alvani, S. (1992). Public issues management. *Management Studies*, 21-35. (in Persian).
3. Alvani, S. (2016). Decision-making and public policy formulation. Tehran: Samt Publications. (in Persian).
4. Amari, S.M. (2021). Results of the census by province, county, district, city, village, and settlement based on the latest divisions. (in Persian).
5. Alvani, S., Sharifzadeh, F. (2006). Public policy-making process. Tehran: Allameh Tabatabai University Publications. (in Persian).
6. Avelino, F., & Wittmayer, J. (2016). Shifting Power Relations in Sustainability Transitions: A Multi-actor Perspective. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 628-649.
7. Cabrera, D., Mandel, J., Andres, J., & Nydam, M. (2008). What is the Crisis? Defining and Prioritizing the World's Most Pressing Problems. *Frontiers in Ecology and the Environment*, 469-475.
8. Coplin, W., & O'Leary, M. (1987). *Public Policy Skills*. Policy Studies Association.
9. Committee Report on East Esfahan Organization. (2021). (in Persian).
10. Dery, D. (2000). Agenda Setting and Problem Definition. *Policy Studies*, 21.
11. Elia, G., & Margherita, A. (2018). Can We Solve Wicked Problems? A Conceptual Framework and a Collective Intelligence System to Support Problem Analysis and Solution Design for Complex Social Issues. *Technological Forecasting & Social Change*, 279-286.
12. Federov, L. (2002). Regional Inequality and Regional Polarization in Russia. *World Development*, 443-456.
13. Ghazinoory, S., Nasri, S., Ameri, F., Montazer, G., & Shayan, A. (2020). Why Do We Need 'Problem-oriented Innovation System (PIS)' for Solving Macro-level Societal Problems. *Technological Forecasting & Social Change*.
14. Henry, N. (2010). *Public Administration and Public Affairs*. USA: Pearson Education.
15. Nabavi, S. (2016). Fundamentals and strategies for a developed and advanced Islamic society. Model of Progress, affiliated with the Islamic-Iranian Model of Progress Center. (in Persian).
16. Poorzayat, A. (2008). Fundamentals of public administration knowledge. Tehran: Samt Publications. (in Persian).
17. Poorzayat, A. (2011). Fundamentals of public management. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. (in Persian).

18. Poorzayat, A., Hashemi Kasavai, M. (2017). The public issue challenge in the early stages of government policy-making. Tehran: Tehran University Press. (in Persian).
19. Poorzayat, A., Soodagar, H., Saadabadi, A., Hashemi Kasavai, M. (2019). Indicators for fair prioritization of public issues. Strategic Management Thought, 139-169. (in Persian).
20. Tshoose, C. I. (2015). Dynamics of Public Participation in Local Government. African Journal of Public Affairs, 8.
21. World Bank. (2016). Empowerment and poverty reduction. Karim Khan Zand Publications. (in Persian).
22. Wallerstein, I. (1979). The Capitalist World-Economy (Vol. 2). Cambridge University Press.
23. Investment Opportunities Guide for Entrepreneurs in Esfahan County. (2022). (in Persian).
24. Review of the economic structure of the country's provinces and their contribution to GDP based on provincial accounts statistics. (2011-2021). (in Persian).
25. Program for Economic Development and Employment Promotion in Esfahan Province. Esfahan Provincial Management and Planning Organization, (2017-2021). (in Persian).

مقاله
پایز فتنه
نشره